

## فصل چهارم

# قائن و هابیل

قائن و هابیل پسران آدم از لحاظ اخلاقی باهم کاملاً متفاوت بودند. هابیل نسبت به خداوند وفادار بود و از عدالت و رحمت پروردگار نسبت به بشر مت نجات بود. ولی قائن

فردی نا آرام و نسبت به لعنتی که در اثر گناه به جهان و جهانیان مستولی شده بود بر علیه خداوند معترض بود. افکارش در همان مسیر پیش میرفت که باعث سقوط شیطان گردید و گستاخی او بآنجا رسید که نسبت به رحمت و عدالت ایزدی با دیده تردید می نگریست.

مت الهی بر این بود که ایندو نیز چون آدم و حوا آزموده شوند تا صداقت آنان نسبت بکلام خداوند آشکار شود با مفری که برای نجات بشر تهیه شده بود آشنائی کامل داشتند. مراسم گذراندن قربانی برایشان روشن بود. می دانستند منظور و مقصود از عمل قربانی تجسم ظهور نجات دهنده بشریت بوده و همچنین نمایانگر اعتراف و ایمان بخدا و رستگاری ایشان میباشد. بره قربانی نمونه ای از قربانی عظیمی بود که در انتظارش بودند زیرا آموزش بدون قربانی محال بود و نشانه ایمان شخص متنبه و مؤمن به قربانی شدن مسیح همین عمل قربانی کردن بره سالم و بدون عیب و نقص بود مضافاً بر اینکه این عمل خود نوعی سپاسگزاری به خداوند محسوب میگردد.

هر دو برادر قربانگاهی بنا کردند و هرکدام هدیه ای آوردند. هابیل طبق دستور خدا بره ای از گله خویش آورد. "و خداوند هابیل و هدیه او را منظور داشت." (۱) آتش از آسمان ساطع گردید و قربانی وی را شعله ور گردانید ولی

قائن فرمان قطعی خدا را نادیده گرفته هدیه ای از میوه های باغ آورد. هیچ علامتی مبنی بر پذیرفته شدن قربانی وی ظاهر نگردید. هر چه هابیل برادر خود را به اجرای دستور الهی و تقرب باو تشویق کرد وی بر تمرد و سرپیچی خود اصرار ورزید. و چون فرزند ارشد بود نصایح برادر کوچک را ناچیز دانست.

قائن با قلبی خالی از ایمان و معترض به مراسم قربانی بسوی خدا رو کرد. در هدیه وی اثری از حزن و ندامت از گناه وجود نداشت. مانند بسیاری از ر میکرد رعایت دستورات خداوند نوعی اعتراف یا ضعف است و مراعات فرامین پروردگار و اتکاً به ناجی موعود مهم نیست. وی نیز راه خود را مت خود اتکاً نمود. بنا بر این نه بره ای خواهد آورد و نه خونی خواهد ریخت بلکه هدیه ای از محصول کار خود انتخاب و ارائه خواهد نمود. با اجرای چنین رسمی نظرش جلب احسان خدا بود. در واقع قائن طبق دستور مذبحی درست کرد و قربانی هم آورد ولی اطاعت محض نکرد یعنی اعتراف و تمایل به نجات دهنده ای که همه این مراسم بخاطر آن بود نادیده گرفت.

بد و تعلیمات مذهبی یکسان بودند همچنین هر دو خطاکار و معتقد به ذات پروردگار و عبادت وی بودند. تا حدودی نظریه دینی آنان باهم مطابقت میکرد ولی از اینها گذشته تفاوت بین آنان فوق العاده زیاد بود. "ایمان باعث شد که قربانی هابیل بیشتر از قربانی قائن مقبول خدا گردد." (۲) هابیل اصول موضوع نجات را درک کرد. خود را خطاکار میدانست و از مانعی که گناه و ثمره آن بین او و خدا ایجاد میکرد آگاه بود. بدین سبب بره ذبح شده را بحضور خالق آورد تا بدین ترتیب اهمیت شریعتی را که شکسته شده بود آشکار کند. چون این قربانی کنایه ای از قربانی اصلی یعنی قربانی شدن

مسیح بر روی صلیب جلجتا بخاطر گناهان ما بود و پذیرفته شدن مراسم قربانی هابیل با شعله ور شدن آن محرز گردید.

برای پذیرفتن حقیقت قائن دارای همان امتیازات هابیل بود و او بعداً مورد غضب خداوند قرار نگرفت از ابتدا طرحی برای مقبول شدن یکی و طرد برادر دیگر از طرف خداوند پیش بینی نشده بود. بلکه این هابیل بود که خود انتخاب کرد مطیع و مؤمن باشد و قائن تصمیم به سرپیچی و بی ایمانی گرفت. تمام قضیه بهمین سادگی است.

قائن و هابیل نماینده دو گروه از مردمان جهان می باشند که تا انقضای عالم وجود خواهند داشت. یک گروه قربانی داده شده خدا را میپذیرند و گروه ل این گروه چون بر بشر فانی بوده و

د

می کنند با کوششهای خود می توانند رضایت خدا را جلب کنند همان اشتباه قائن را تکرار می کنند. اگر خون طاهر کننده آن قربانی را نپذیرند با گناهان خود محکوم خواهند ماند زیرا فرد دیگری برای آزادی از بند گناه وجود ندارد.

تعداد مؤمنان قائن مانند در جهان بسیار است و ادیان کاذب بر اصل توانائی انسان بنجات خود پایه گذاری شده است. بسیاری مدعی هستند که انسان به نجات نیازی نداشته بلکه باید تکامل یابد بدین معنی که صفات و توانائی های خود را پرورش داده و تکمیل کند تا در نتیجه بمقام عالیتیری ارتقا یابد. همانطوری که قائن که خواست احسان الهی را با قربانی بدون خون اخذ نماید این دسته نیز سعی بر آن دارند بدون کفاره گناه بشر مورد لطف خدا قرار گیرند. در صورتیکه سر نوشت قائن عاقبت آنان را بیان میکند و خاطرنشان میکند که انسان بدون مسیح چه پایانی دارد. انسان قدرت احیاً خود را ندارد. روش خود

سرانه بشر او را به بالا سوق نداده بلکه همواره وی را بسوی پائین یعنی بطرف شیطنت فرو میکشد. مسیح یگانه امید بشر است. "در هیچکس دیگر، رستگاری نیست و در زیر آسمان هیچ نامی جز نام عیسی به مردم عطا نشده است تا بوسیله آن نجات یابیم." (۳)

ایمان واقعی که تنها بمسیح توکل دارد توسط رعایت کامل اوامر خدا بثبوت میرسد. از بدو عالم تا به امروز مبارزه بزرگ در محور اطاعت شریعت خدا بوده است. در تمام ادوار افرادی بوده اند که حتی در حال سرپیچی از اوامر خدا در طلب بخشش و احسان وی بوده اند. مکتوبست که با عمل ایمان کامل عای معرفت الهی دارد و ادعا میکند که او را میشناسد، ولی طبق دستورات او عمل نمیکند دروغگو و از حقیقت دور است." (۵)

ه شد که قربانی وی پذیرفته نشده نسبت به خدا و هاییل خشمگین شد. چون قربانی اش مقبول خدا نگردید غضبش نسبت بخدا افروخته شد و چون برادرش اطاعت پروردگار را به همکاری با برادرش در شورش بر علیه خدا ترجیح داده، نسبت ببرادرش متنفر شد. با اینکه قائل امر الهی را نادیده گرفته بود خداوند وی را ترک نکرد بلکه با کسی که آنچنان وی را نامعقولانه رد کرده بود مدارا کرد. آنگاه خدا به قائل گفت: "چرا خشمناک شدی و چرا سر خود را بزیر افکندی؟" (۶) فرشته ای این اخطار را بوی رسانید: "اگر نیکوئی میکردی آیا قبول نمیشدی؟ و اگر نیکوئی نکردی گناه بر در در کمین است" (۷) انتخاب بعهد قائل بود. اگر بشایستگی نجات دهنده موعود اعتماد شرایط خداوند را اطاعت کند از احسان وی بهره مند خواهد شد ولی اگر به بی ایمانی و سرپیچی از اوامر خداوند ادامه دهد باید منتظر نتایج عواقب وخیم آن

نیز باشد.

قائن بجای اعتراف بگناه از بی عدالتی خدا شکایت میکرد و حسادت و نفرتش نسبت به هابیل افزایش می یافت. با توهین و پرخاش سعی داشت برادرش را در جدال شریرانه خود سهیم گرداند. هابیل استوار و شجاعانه ولی با فروتنی از نیکوئی و عدالت خداوند دفاع میکرد و باشتباهات قائن اشاره کرده سعی بر آن داشت او را متوجه نافرمانیش سازد. همچنین به فیض و محبت خدا که والدینشان را در هنگام گناه هلاک ننمود اشاره کرده گفت خداوند ایشان را دوست دارد و گر نه مسیح بیگناه و مقدس را بخاطر گناهان ایشان زیر شکنجه و عذاب نمی سپرد. ولی اینها مسبب تشدید خشم قائن گردید. قائن بدرستی و از روی وجدان میدانست که برادرش هابیل محق است ولی از اینکه برادر کوچکش که تا کنون تحت نفوذ او بود چگونه حال با او مخالفت می کند و در شورش وی همکاری نمی کند، در نهایت عصبانیت برادر خود را بقتل رسانید.

قائن با نفرت برادرش را کشت البته نه بخاطر تقصیری که وی مرتکب شده بود بلکه چون "اعمال خودش نادرست و اعمال برادرش درست بود." (۸) در تمام تاریخ جهان شریران همواره از کسانی که از خود آنان بهتر بودند نفرت داشته اند. زندگی با ایمان و راسخ هابیل توبیخ دائمی برای قائن بود. "زیرا کسی که مرتکب کارهای بد میشود از نور متنفر است و از آن دوری می جوید مبدا اعمالش مورد ملامت واقع شود." (۹) تشعشع نور سماوی در وجنات و روش مؤمنان بخدا یرتو افکن است. هر چه بی ایمانی گناه کاران آشکار تر میشود بهمان اندازه سعی بر برهم زدن صلح و آرامش مؤمنان بیشتر میگردد.

قتل هابیل اولین سابقهٔ عداوتی بود که بین مار و ذریت زن یعنی بین شیطان و طرفداران وی با مسیح و پیروانش واقع گردید. توسط گناه انسان شیطان

مالک نوع بشر گردید ولی مسیح قدرت مقاومت پیروزمندانه ای به ایشان می بخشد تا خود را از یوغ شیطان نجات دهند. هر زمان فردی توبه کرده به بره خدا ایمان آورد و خود را از چنگال گناه آزاد کند بر غضب شیطان افزوده میگردد. زندگی پاک هابیل شهادت زنده ای بر ادعای شیطان بود که می گفت رعایت شریعت خدا برای انسان محال است. وقتی قائن بوسیله شیطان تحریک گردید و خود را از قانع کردن هابیل عاجز دید شدت عصبانیت وی بآن درجه رسید که برادر خود را بقتل رسانید. هر گاه اشخاصی یافت شوند که شریعت عادلانه خداوند را بجا آورند همان تحریکات بر علیه ایشان بعمل خواهد آمد. این همان روح خبیثی است که در طی قرون گذشته دست ظلم و تعدی خود را از آستین برآورده پیروان صدیق مسیح را بآتش کشیده است. تمام فجایعی که بر ایمانداران نازل گردیده به تحریک و وسوسه شیطان و هواداران او انجام گرفته زیرا وجدان مؤمنان را به زور نتوانسته منحرف کند. اینست نشانه خشم دشمن مغلوب شده و اعلام پیروزی یک از شهدای راه مسیح. نبی میگوید: «این برادران ما با خون بره و با شهادتی که به زبان می آورند بر او، یعنی ازدهای بزرگ، آن مار قدیمی که ابلیس و شیطان است، چیره شده اند، زیرا آنها حاضرند جانهای خود را فدا کرده بمیرند.» (۱۰)

قائن جنایتکار فوراً مورد مواخذه قرار گرفت. پس خداوند بقائن گفت برادرت هابیل کجاست؟ گفت نمیدانم. مگر پاسبان برادرم هستم؟ (۱۱) قائن آنچنان در عمق گناه فرو رفته بود که احساس حضور دائمی و عظمت و معرفت مل گردید.

بار دیگر خدا از قائن جويا شد: «چه کرده؟ خون برادرت از زمین نزد من

فریاد برمیآورد." (۱۲) خداوند به قائن فرصت داد به گناهانش اعتراف کند. وقت کافی برای اندیشه به وی داده شد و به وخامت عمل فجیعی که مرتکب شده بود واقف بود و میدانست که برای پوشانیدن گناه خود دروغ گفته است و چون حالت عصیان و نافرمانی بر او مستولی بود حکم نهائی خداوند برایش تفاوتی نداشت. صدای الهی که تا کنون با رحمت و ملاحظت او را به توبه دعوت میکرد اکنون به کلماتی خشن و وحشتناک مبدل گردید. "و اکنون تو ملعون هستی از زمینی که دهان خود را باز کرد تا خون برادرت را از دستت فرو برد. هر گاه کار زمین کنی همانا قوت خود را دیگر بتو ندهد و پریشان و آواره در جهان خواهی بود." (۱۳)

گرچه قائن به علت جنایت خویش مستحق اعدام بود، خالق رحیم جان وی را در دم نگرفت و فرصت ثانوی توبه بوی داد. ولی قائن سرسختی نشان داده بر شورش و نافرمانیش علیه حکومت الهی پافشاری میکرد تا اینکه بنیان گذار گروه گردنکشان و خودکامگان شود. تحت رهبری شیطان و سرپیچی این فرد دیگران نیز گمراه گردیدند و اثر این لغزشها باندازه ای بود که سبب هلاکت جهان و جهانیان گردید.

در آزاد گذاشتن اولین جنایتکار، خواست خداوند بر آن بود که درس مهمی در مورد مبارزه بزرگ به تمامی کائنات داده باشد. تاریخ شوم قائن و نوادگانش نمونه ای از نتیجه شرارت و زندگی شریران در آسمان بود اما در صورتیکه اگر خداوند مانعی برای ادامه آن بوجود نمی آورد. تحمل خداوند شریران را در ادامه شرارت خود سرسخت تر گردانید. پانزده قرن کائنات آسمان ثمره تمرد و نفوذ قائن را هنگامی که جنایت و خیانت سراسر دنیا را پوشانیده بود، مشاهده کردند. و این خود دلیلی برصحت عدالت حکم خدا بر قائن و طرفدارانش بود. زندگی گناهکاران هرچه بیشتر ادامه یافت بر جسارت ایشان افزوده

گردید. محکومیت جنایتکاران بمرگ و نجات ساکنان دنیا از ترس شورشیان، همه و همه برای جهان بشریت برکت و فیض الهی بار آورد.

شیطان همواره با نیروئی خستگی ناپذیر و تحت ماسکهای فریب دهنده سعی در وارونه نمایاندن حکومت الهی مینماید. با طرح نقشه های دقیق و پشتکاری عجیب سعی در فریب و گمراهی اهالی جهان دارد. خداوند یکتا و عارف کل انتها را از ابتدا میداند لذا راه او در مقابل نقشه شرارت آمیز شیطان کامل و بدون عیب میباشد. مقصود خدا تنها آن نبود که ظلم و شورش را سرکوب کند بلکه کائنات و سماوات را از طبیعت شورش آگاه سازد. نقشه خداوند بتدریج آشکار گردیده نمایانگر عدالت و رحمت وی بوده و بطور وضوح حکمت و عدالت وی را در مقابله با شرارت بثبوت میرساند.

اهالی مقدس کرات دیگر وقایع عجیب دنیای زمین را با علاقه شدیدی نظارت میکردند. رواج حکومتی را که شیطان مدعی آن بود در اوضاع زمان قبل از طوفان نوح را مشاهده کردند. در یافتند که از ابتدا سعی و کوشش شیطان بر آن بوده که قدرت مسیح و شریعت خدا را نابود کند و بدین ترتیب منظور نهائی اعمال خطاکاران و پیروان شیطان قبل از طوفان را دریافتند. "خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است و هر تصور از خیالهای دل وی دائماً محض شرارتست." (۱۴) هر نوع خواسته و مقصود آنان بر خلاف قواعد پاک و مقدس و مهربان الهی بود. اوضاع دنیای قبل از طوفان نمونه بارزی از نقشه ذلت بار و سراسر فساد بود که شیطان در نظر داشت نوع بشر را بدان دچار ساخته و در نتیجه آنان را از پناه شریعت مقدس خداوند بیرون آورد.

با حقایقی که در اثر ادامه مبارزه بزرگ تجلی یافت خداوند اصول و قواعد حکومت خود را که توسط شیطان و پیروان فریب خورده اش وارونه معرفی

شده بودند آشکار ساخت. بالاخره تمام کائنات عدالت پروردگار را اقرار خواهند کرد منتها اعترافشان بطول خواهد انجامید. قدم به قدم که نقشه بزرگ خداوند به پیروزی نزدیک میشود کائنات و سماوات با همدردی و رضایت کامل بجانبداری خداوند بر میخیزند. و همچنین در برانداختن شورش شریران با او متحد خواهند شد. تمام کسانی که بطرفداری از شیطان، خدا و شریعت ویرا ترک کرده اند شناخته خواهند شد. وقتی که شاهزاده این جهان محاکمه شود و متحدانش به سرنوشت وی دچار شوند آنگاه تمام کائنات به شهادت آمده خواهند گفت :

"چقدر عادلانه و درست است روش های تو، ای پادشاه ملل." (۱۵)